



## دلایل ناکامی ترامپ در شناساندن ایران به عنوان تهدید امنیت بین الملل

نیما رضایی<sup>۱</sup>، مجتبی شریعتی<sup>۲</sup>

### چکیده

اگرچه ترامپ، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک تهدید برای امنیت و منافع ایالات متحده معرفی کرد و موفق شد درون ایالات متحده در راستای امنیتی کردن موفقیت آمیز جمهوری اسلامی ایران اقدام کند، لیکن نتوانست در معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت بین الملل در سطح جامعه جهانی، موفق عمل کند؛ به عنوان نمونه، در جلسه ۱۴ اوت ۲۰۲۰ (۲۴ مرداد ۱۳۹۹) شورای امنیت سازمان ملل متحد، از میان ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، تنها دو کشور به قطعنامه پیشنهادی ایالات متحده که مانع لغو محدودیت های تسلیحاتی اعمالی بر ایران می شد، رأی مثبت دادند. در حالی که اگر ترامپ در تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت بین الملل موفق عمل می کرد، بی تردید، همه یا اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه یادشده رأی مثبت می دادند. اگرچه می توان از چارچوب های نظری گوناگونی برای توضیح و تشریح این موضوع استفاده کرد، اما پژوهش حاضر با کاربست مفهوم «کلان امنیتی سازی» که توسط مکتب کپنهاگ مطرح شده و جزئی از نظریه «امنیتی سازی» یا «امنیتی کردن» این مکتب است، در صدد واکاوی علل این موضوع برآمده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش اصلی که «علل موفقیت آمیز و نتیجه بخش نبودن کنش گفتاری ترامپ در کلان امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران و معرفی ایران به عنوان یک تهدید برای امنیت بین الملل چه مواردی است؟» فرضیه خود را ارائه داده و در آن به پنج علت اشاره کرده است. این پژوهش را می توان نوعی پژوهش کیفی- کمی به شمار آورد که در آن از ابزارهای کیفی ای نظیر بررسی محتوایی- کیفی هشت سخنرانی/ اظهار نظر/ بیانیه ترامپ و ابزارهای کمی ای مانند نتایج نظرسنجی های مراکز معتبر غربی استفاده شده است.

**کلیدواژه ها:** ابزارهای غیرعادی، بازیگران امنیتی کننده، شرایط تسهیل کننده، کلان امنیتی سازی، کنش گفتاری

۱- استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول مقاله) - ORCID iD: 0000-nima.r@khu.ac.ir (0002-8500-8882)

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (ORCID iD: 0000-0002-0673-0990) [m.shariati@yu.ac.ir](mailto:m.shariati@yu.ac.ir)



# Reasons for Trump's Failure to Identify Iran as a Threat to International Security

Nima Rezaee, Mojtaba Shariate

## Abstract

Although Trump portrayed the Islamic Republic of Iran as a threat to US security and interests and succeeded in securitization of the Islamic Republic of Iran within the United States, he failed to introduce the Islamic Republic of Iran as a threat to international security at the global community level. For example, at a meeting of the UN Security Council on August 14, 2020, only two of the 15 members of the UN Security Council adopted a resolution proposed by the United States that would lift the arms Sanction imposed on Iran, they voted in favor. Whereas if Trump had succeeded in portraying the Islamic Republic of Iran as a threat to international security, all or a majority of members of the UN Security Council would have voted in favor of the resolution. Although various theoretical frameworks can be used to explain this issue, this research uses the concept of "Macrosecuritisation" proposed by the Copenhagen School that is part of the theory of "securitization" and trying to investigate the causes of this issue. Therefore, this study seeks to answer the main question: "What are the reasons for the Failure of Trump's Securitizing Speech-act, and introduction of the Islamic Republic of Iran as a threat to international security?" present the hypothesis and mentions five reasons.

the hypothesis of this Research is: Trump's failure to Macrosecuritisation of the Islamic Republic of Iran stems from five factors: 1) the inability to present the Islamic Republic as a macro-threat to the macro security Referent Object, that Here, the world community (or at least the Western bloc), and to be more precise, disregards to the external aspect of the facilitating conditions of Securitization; 2) the lack of a unity of negatives as one of the success factors of a Macrosecuritisation; 3) Lack of persuasion of the audience and, more precisely, inability to turn ordinary audiences into supportive audiences, Due to the low social capital of the Securitizing Actor (Trump) in the international community; 4) Lack of adding a universal dimension to Trump's Securitizing Speech-act of the Islamic Republic of Iran; 5) Lack of selection of appropriate watch words and terms that can be invoked to move specific issues into the realm of securitization without elaborate arguments about the securitization of the specific case.

This research can be considered as a qualitative-quantitative research in which qualitative tools such as Content Analysis Method of eight Trump's speeches / comments / statements and quantitative tools such as the results of polls of reputable Western Institute are used.

Key Words: Extraordinary Means- Securitizing Actor-Facilitating Conditions-Macrosecuritisation - Speech Act



۲۵۰

پژوهش نامه ایرانی

سیاست بین الملل،

سال ۱۲، شماره ۱، شماره

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان

۱۴۰۲

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

دانلد جی. ترامپ در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) ایالات متحده را از موافقت‌نامهٔ برجام خارج کرد. در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۹ (۱۹ فروردین ۱۳۹۸) کاخ سفید یک فکت‌شیت یا گزاره‌برگ منتشر و اعلام کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی<sup>۱</sup> قرار داده است. در این گزاره‌برگ، این جملهٔ ترامپ به‌عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده نقش بست که «رژیم ایران، حامی اصلی تروریسم است. این کشور، موشک‌های خطرناک [خود را] صادر می‌کند، به درگیری‌ها در سراسر خاورمیانه دامن می‌زند، و از نیروهای نیابتی تروریست<sup>۲</sup> حمایت می‌کند». در این گزاره‌برگ اعلام شد: «دولت به‌منظور مقابله با کارزار جهانی تروریسم [از سوی] ایران<sup>۳</sup>، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی معرفی می‌کند». افزون‌براین، در گزاره‌برگ یادشده موارد زیر نیز مطرح شد:

دولت ترامپ این گام بی‌سابقه را به‌عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای مقابله با تروریسم موردحمایت ایران در سراسر جهان برمی‌دارد؛ این نخستین‌بار است که ایالات متحده، بخشی از یک حکومت دیگر را به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی تعیین [و تعریف] می‌کند؛

[قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی] بر این موضوع صحه می‌نهد که استفادهٔ رژیم ایران از تروریسم، آن [دولت] را با هر دولت دیگری متفاوت کرده است» (Trump, April 08, 2019).

اگرچه ترامپ از آغاز کارزارهای انتخاباتی خود، نوک پیکان حملاتش در عرصهٔ سیاست خارجی را به‌سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه رفته بود، اما خارج کردن ایالات متحده از برجام و قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی نشان داد که وی درصدد معرفی جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها به‌عنوان یک تهدید برای ایالات متحده، بلکه به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل است.

اگر تلاش ترامپ در راستای معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل را در

1. Foreign Terrorist Organizations (FTOs)
2. terrorist proxies
3. Iran's global campaign of terrorism





یک بازه زمانی در نظر بگیریم که ابتدای آن، آغاز کارزارهای انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶ بود، نقطه پایانی این تلاش ناموفق، جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۴ اوت ۲۰۲۰ (۲۴ مرداد ۱۳۹۹) رقم خورد؛ جایی که از میان ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، تنها دو کشور ایالات متحده و جمهوری دومینیکن به قطعنامه‌ای که مانع لغو محدودیت‌های تسلیحاتی اعمالی بر ایران<sup>۱</sup> می‌شد، رأی مثبت دادند. ۲ کشور روسیه و چین به این قطعنامه رأی منفی، و ۱۱ کشور بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، استونی، اندونزی، ویتنام، آفریقای جنوبی، تونس، نیجر، و سنت‌وینسنت رأی ممتنع<sup>۲</sup> دادند.

اگر ترامپ در تلاش برای معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل موفق می‌شد، بی‌تردید همه یا اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه، رأی مثبت می‌دادند.

اما «چرا ترامپ نتوانست در معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل موفق عمل کند؟» و درمقابل «چرا موفق شد همچون پیشینیان خود، یعنی کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، و/وایاما، ایران را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ایالات متحده معرفی کند و سیاست‌هایی مانند اعمال فشار بیشینه و ترور مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران را در مقابله با ایران به کار گیرد؟»

پژوهش حاضر، در چارچوب دغدغه مطرح شده در پرسش نخست قوام یافته است. اگرچه می‌توان با کاربست برخی از نظریه‌ها به پرسش نخست پاسخ داد، ولی این پژوهش در این راستا از مفهوم «کلان‌امنیتی‌سازی» مطرح شده توسط مکتب کپنهاگ بهره برده است. درضمن، اگرچه می‌توان با استفاده از نظریه «امنیتی‌سازی» مکتب کپنهاگ، به پرسش دوم نیز پاسخ داد، لیکن با توجه به محدودیت‌های حجمی مقاله‌های علمی-پژوهشی پاسخ به آن، پژوهش دیگری را می‌طلبد.

براساس نظریه «امنیتی‌سازی» مکتب کپنهاگ، بازیگر امنیتی‌کننده (در اینجا ترامپ)، موضوع امنیتی (در اینجا جمهوری اسلامی ایران) را تهدیدی برای بقای یک مرجع (در اینجا جامعه جهانی یا دست کم بلوک غرب) تعریف می‌کند که حق بقا دارند. در بقا، نقطه‌ای بی‌بازگشت وجود دارد که نشان می‌دهد، برای عمل کردن، خیلی دیر شده است؛ بنابراین، نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی واگذار کرد. به همین دلیل، بخش امنیتی‌کننده اعلام می‌کند که به‌منظور بقای مرجع، از ابزارهای غیرعادی و نقض قواعد عادی (در اینجا جنگ)، استفاده خواهد کرد.

1. arms-related restrictions on Iran
2. Abstention

براین اساس، به منظور پاسخ گویی به پرسش اصلی پژوهش حاضر از نظریه امنیتی سازی (برپایه نگرش مکتب کپنهاگ) و همچنین، مفهوم کلان امنیتی سازی (به عنوان کامل کننده نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ) بهره گرفته شده است.

بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش اصلی مطرح شده، این فرضیه را ارائه داده است که «ناکامی ترامپ در کلان امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران و معرفی آن به عنوان تهدیدی برای امنیت بین الملل، ناشی از پنج عامل است که عبارتند از: ۱) عدم رعایت جنبه بیرونی شرایط تسهیل کننده کلان امنیتی سازی ایران، یعنی ناتوانی در معرفی ایران به عنوان یک تهدید سطح کلان برای مرجع امنیت سطح کلان (در اینجا جامعه جهانی یا دست کم بلوک غرب)؛ ۲) عدم ایجاد وحدت منفی یا ناتوانی در ایجاد اجماع علیه ایران؛ ۳) ناتوانی در تبدیل مخاطبان عادی به مخاطبان حمایت کننده یا عدم اقناع مخاطبان (در اینجا مردم جهان یا دست کم مردم کشورهای غربی) به دلیل پایین بودن سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی کننده (ترامپ) در جامعه جهانی؛ ۴) ناتوانی در افزودن یک بعد جهان شمول گرایانه به کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران؛ ۵) عدم رعایت جنبه درونی شرایط تسهیل کننده کلان امنیتی سازی، یعنی عدم انتخاب شعارها و اصطلاحات مناسبی که با استناد به آن‌ها می توان موضوعات خاص (مانند جمهوری اسلامی ایران) را بدون ارائه استدلال‌های دقیق، امنیتی کرد».

روش به کاررفته برای انجام پژوهش، بررسی اظهارات، مصاحبه‌ها، و بیانیه‌های مطبوعاتی ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده است که دسترسی به آن‌ها از طریق تارنمای معتبر "The American Presidency Project" امکان پذیر شد که سخنان، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، و... همه رؤسای جمهور ایالات متحده در آن قرار دارد. کلیدواژه "Iran" در این تارنما جست و جو شد و یافته‌های زیادی به دست آمد که به صورت گزینشی در پژوهش حاضر استفاده خواهند شد. در نتیجه بررسی سخنان این مقام دولتی الف) عناصر اصلی کنش گفتاری کلان امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران در اظهارات بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)؛ و ب) شرایط تسهیل کننده این کنش گفتاری، واکاوی می شود. ضمن اینکه از ابزارهای کمی مانند نتایج نظر سنجی‌های مراکز معتبر غربی نیز استفاده می شود؛ بنابراین، می توان این پژوهش را نوعی تحقیق کیفی-کمی به شمار آورد.

گفتنی است، تاکنون نوشته‌ای که مفهوم «کلان امنیتی سازی» را به عنوان چارچوب نظری برای بررسی سخنرانی / اظهار نظر / بیانیه ترامپ درباره جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرده باشد، تولید و منتشر نشده است. با توجه به توضیحات مطرح شده، می توان گفت که هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی چرایی



موفقیت آمیز [و نتیجه بخش] نبودن کنش گفتاری «ترامپ» در «کلان امنیتی سازی» جمهوری اسلامی ایران و کاربست نظریه «کلان امنیتی سازی» مکتب کپنهاگ به منظور بررسی این موضوع است.

### ۱. چارچوب نظری پژوهش

اگرچه مفهوم «کلان امنیتی سازی» مکتب کپنهاگ، به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب شده است، اما از آنجا که «کلان امنیتی سازی» دارای همان اجزاء و عناصر «امنیتی سازی» است، لازم است که توضیحات کوتاهی درباره نظریه «امنیتی سازی» مکتب کپنهاگ مطرح شود.

#### ۱-۱. نظریه «امنیتی سازی» مکتب کپنهاگ

امنیتی سازی<sup>۱</sup> در کنار مجموعه های امنیتی منطقه ای<sup>۲</sup> و همچنین بخش ها<sup>۳</sup> (به تمایز بین امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی اشاره دارد)، سه انگاره اصلی<sup>۴</sup> مکتب کپنهاگ را تشکیل داده است (Wæver, 2004, 8).

ویور در مقاله «ایدئولوژی های تثبیت<sup>۵</sup>» که به عنوان بخشی از رساله دکتری وی در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، امنیت را به مثابه یک کنش گفتاری معرفی می کند: «امنیت، اساساً یک کنش گفتاری یا به گونه ای دقیق تر، یک کنش غیربیانی<sup>۶</sup> است» (Floyd, 2010, 10).

لازم به ذکر است که در نظر گرفتن «امنیت» به عنوان یک «کنش گفتاری» از سوی «ویور» زمینه ساز طرح نظریه «امنیتی سازی» در مکتب کپنهاگ شده است، زیرا به صورت خلاصه می توان گفت که امنیت یک کنش گفتاری است و از این رو، امنیتی سازی یک کنش گفتاری موفقیت آمیز یا نتیجه بخش می باشد که ابزارها و اختیارات فوق العاده ای نظیر جنگ، افزایش بودجه، اعمال سیاست های خاص و غیره را در اختیار بازیگر امنیتی کننده قرار می دهد.

پس از ذکر این توضیحات، مفهوم «امنیتی سازی» از منظر مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار می گیرد: امنیتی سازی را می توان به عنوان نسخه افراطی تری از سیاسی کردن<sup>۷</sup> در نظر گرفت. به لحاظ نظری، هر



1. Securitization
2. Regional Security Complex (RSC)
3. sectors
4. three main ideas
5. Ideologies of Stabilization
6. illocutionary act
7. a more extreme version of politicization

موضوع عمومی ای می تواند بر روی طیفی قرار گیرد که از [موضوع] غیرسیاسی شده<sup>۲</sup> (که دولت سروکاری با آن ندارد و از هیچ راه دیگری نیز در حیطه مباحث و تصمیم گیری عمومی قرار نمی گیرد) تا [موضوع] سیاسی شده (که بخشی از سیاست گذاری عمومی<sup>۳</sup> و نیازمند [اخذ] تصمیم و تخصیص منابع از سوی حکومت یا به گونه ای نادرتر، [نیازمند] شکل دیگری از حکمرانی جمعی<sup>۴</sup> است) تا [موضوع] امنیتی شده (که خود را مانند یک تهدید وجودی نشان می دهد که نیازمند تمهیدات اضطراری<sup>۵</sup> است و انجام اقداماتی در بیرون از مرزهای عادی کردارهای سیاسی را توجیه می کند) کشیده شده است (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998, 23).

رالف امرس در مقاله ای با عنوان «امنیتی سازی» در کتاب «مطالعات امنیتی معاصر»، با ارائه یک شکل (شکل شماره ۱)، این نکات را به روشنی به تصویر می کشد (Emmers, 2013, 133).

بنابراین، می توان گفت که یک موضوع امنیتی<sup>۶</sup> (توسط یک بازیگر امنیتی کننده<sup>۷</sup>) به عنوان تهدیدی برای بقای یک مرجع مشخص (نظیر دولت، ملت، نظم اقتصادی لیبرال بین المللی، جنگل های بارانی) در نظر گرفته می شود که ادعا می کند، حق بقا دارد. از آنجا که موضوع بقا، لزوماً نقطه ای بدون بازگشت<sup>۸</sup> است که در آن برای عمل کردن خیلی دیر شده است<sup>۹</sup>، [لذا] قابل دفاع نیست که این موضوع را به سیاست عادی<sup>۱۰</sup> واگذار کرد؛ از این رو، بازیگر امنیتی کننده ادعا می کند که حق استفاده از ابزارهای غیرعادی یا نقض قواعد عادی<sup>۱۱</sup> را برای برقراری امنیت دارد. با این تعریف از امنیت، رویکردی سازه انگارانه اتخاذ می شود؛ به این معنا که دیگر نمی پرسیم که آیا یک موضوع خاص به خودی خود تهدید است [یا خیر]، بلکه بر پرسش «چه موقع و در چه شرایطی، چه کسی، چه موضوعی را امنیتی می کند؟»<sup>۱۲</sup> تمرکز می شود (Buzan & Wæver, 2003, 71).

1. any public issue
2. nonpoliticized
3. public policy
4. communal governance
5. emergency measures
6. security issue
7. by a securitising actor
8. a point of no return
9. too late to act
10. normal politics
11. a right to use extraordinary means or break normal rules
12. when and under what conditions who securitises what issue

### شکل شماره (۱). طیف امنیتی سازی



غیرسیاسی شده	سیاسی شده	امنیتی شده
<ul style="list-style-type: none"> <li>دولت در این موضوع دخالت نمی‌کند.</li> <li>این موضوع در زمره مباحث عمومی قرار ندارد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>موضوع در درون نظام سیاسی متعارف مدیریت می‌شود.</li> <li>بخشی از سیاست‌گذاری عمومی است و نیازمند [اخذ] تصمیم و تخصیص منابع از سوی حکومت یا به‌گونه‌ای نادرتر، [تیاژمند] شکل دیگری از حکمرانی جمعی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>موضوع به‌عنوان یک مسئله امنیتی و از طریق یک کنش امنیتی کردن بیان می‌شود.</li> <li>یک بازیگر امنیتی کننده یک موضوع پیش از این سیاسی شده را به‌عنوان یک تهدید وجودی برای مرجع امنیت بیان می‌کند.</li> </ul>

Source: Emmers, 2013: 133

گفتنی است، در «امنیتی سازی» دیگر بحث تهدید بودن یا نبودن یک موضوع، هزینه‌فایده، و... مطرح نیست و تنها موضوع نتیجه‌بخش بودن یا نبودن کنش گفتاری «امنیتی سازی» مطرح است.

#### ۲-۱. کلان‌امنیتی سازی

«کلان‌امنیتی سازی» را می‌توان کامل‌کننده نظریه «امنیتی سازی» مکتب کپنهاگ به‌شمار آورد. بری بوزان و اوله و یور در مقاله معروف خود با عنوان «کلان‌امنیتی سازی و منظومه‌های امنیتی: تجدیدنظر در مقیاس نظریه امنیتی سازی»<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد، در نظریه پیشین خود تجدیدنظر کرده و مفهومی به‌نام «کلان‌امنیتی سازی» را مطرح کرده‌اند. آنان تأکید کرده‌اند که نظریه امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، بیشتر بر سطح میانی سیاست جهانی<sup>۲</sup> متمرکز است که در آن واحدهای سیاسی جمعی<sup>۳</sup>، یعنی اغلب و نه همیشه دولت‌ها، روابط دوستانه یا خصومت‌آمیزی با یکدیگر برقرار می‌کنند. استدلال مکتب کپنهاگ این است که هم به‌دلیل اینکه واحدهای سیاسی [بیشتر دولت‌ها] به آسانی می‌توانند یکدیگر را به‌عنوان تهدید (بر)ساخته کنند و هم به‌دلیل دشوار بودن یافتن مخاطبان و تعیین «مرجع امنیت» در امنیتی‌سازی در سطح فردی و در سطح نظام<sup>۴</sup>، سطح میانی می‌تواند بیشتر حالت‌های موجود امنیتی‌سازی را پوشش دهد؛ [بنابراین] این مقاله بر شکاف بین سطح میانی و سطح نظام‌محور متمرکز است. در این مقاله، درباره مفهوم مورد بحث «منظومه‌های امنیتی» تجدیدنظر شده و مفهوم «کلان‌امنیتی سازی» به‌عنوان روشی برای تحلیل آنچه در سطح بالاتر از سطح میانی رخ می‌دهد، معرفی و به مکتب کپنهاگ اضافه می‌شود (Buzan &



1. Macrosecuritisation and security constellations: reconsidering scale in securitisation theory
2. middle level of world politics
3. collective political units
4. at the individual and system levels



بنابراین، می‌توان گفت که «کلان‌امنیتی‌سازی» دارای همان اجزا و عناصر «امنیتی‌سازی» (مانند بازیگر امنیتی‌کننده، کنش‌گفتاری، مرجع امنیت، تهدید وجودی، شرایط تسهیل‌کننده، تمهیدات فوق‌العاده، و مخاطبان حمایت‌کننده) و در واقع، نوعی «امنیتی‌سازی» است که در سطحی بالاتر از سطح میانی رخ می‌دهد.

بوزان و ویور، یک بعد مبتنی بر نیت‌مندی را نیز برای «کلان‌امنیتی‌سازی‌ها» در نظر گرفته‌اند. براین اساس، کلان‌امنیتی‌سازی‌ها باید توسط بازیگران امنیتی‌کننده به گونه‌ای آگاهانه<sup>۱</sup> ایجاد شوند. اما عناصر کلان‌منظومه‌ها، توسط کنشگران مختلفی تولید می‌شود که ممکن است از ساختارهای اجتماعی‌ای که آن‌ها ایجاد می‌کنند و همچنین این موضوع که رفتار آن‌ها باید پایدار باشد یا تغییر کند، آگاهی داشته یا نداشته باشند (Buzan & Wæver, 2009, 268).

### ۳-۱. اجزا و عناصر مشترک کلان‌امنیتی‌سازی و امنیتی‌سازی

پیشتر اشاره شد که «کلان‌امنیتی‌سازی» دارای همان اجزا و عناصر «امنیتی‌سازی» (مانند بازیگر امنیتی‌کننده، کنش‌گفتاری، مرجع امنیت، تهدید وجودی، شرایط تسهیل‌کننده، تمهیدات فوق‌العاده، و مخاطبان حمایت‌کننده) است.

بوزان و ویور در این باره یادآوری می‌کنند که کلان‌امنیتی‌سازی بر اساس همان قاعده‌ای تعریف می‌شود که در امنیتی‌سازی‌های دیگر نیز به کار می‌رود. این قاعده عبارت است از: شناسایی [و هویت‌بخشی به] یک تهدید وجودی برای یک مرجع ارزشمند [امنیت] و فراخوان تمهیدات استثنائی [به‌منظور مقابله با آن تهدید]. تفاوت اصلی این است که کلان‌امنیتی‌سازی‌ها در مقیاس گسترده‌تری از مجموعه‌های جریان اصلی در سطح میانی (یعنی دولت‌ها و ملت‌ها) قرار دارند و در پی بسته‌بندی [و انتقال] امنیتی‌سازی‌ها از سطح میانی به یک مرتبه «بالاتر» و بزرگ‌تر هستند. کلان‌امنیتی‌سازی‌ها، نسبت به امنیتی‌سازی‌های معمول، ساختار پیچیده‌تری دارند (Buzan & Wæver, 2009, 257).

آنان همچنین تأکید می‌کنند که کلان‌امنیتی‌سازی‌ها مانند همه امنیتی‌سازی‌ها، نیازمند بازیگران



1. consciously  
2. identification of an existential threat to a valued referent object and the call for exceptional measures

امنیتی کننده، کنش گفتاری مناسب، و مخاطبان علاقه‌مند و واکنشگر<sup>۱</sup> است. افزون‌براین، کلان‌امنیتی‌سازی‌ها، نیازمند برخی پویایی‌های گسترده<sup>۲</sup> است که بتوانند امنیتی‌سازی‌های دیگر را نیز دربر گیرند (Buzan & Wæver, 2009, 265).

#### ۴-۱. اجزا و عناصر اختصاصی کلان‌امنیتی‌سازی

در ادامه، مهم‌ترین اجزای اختصاصی بحث کلان‌امنیتی‌سازی تعریف و بررسی شده است.

##### ۴-۱-۱. منظومه بودن

بوزان و ویور بر این نظرند که در مکتب کپنهاگ، مفهوم منظومه‌های امنیتی<sup>۳</sup> به‌منظور پیوند دادن همه سطوح و بخش‌هایی طراحی شده است که امنیتی‌سازی در آن‌ها رخ می‌دهد [بخش‌های نظامی، سیاسی، جامعه‌محور، اقتصادی و زیست‌محیطی]. مفهوم منظومه‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد که در ساختارهای کلی اجتماعی امنیتی‌سازی<sup>۴</sup>، الگوهای بزرگ‌تری وجود دارد. مفهوم منظومه به‌منظور جلوگیری از [ارائه] تصویری از امنیتی‌سازی‌های منفرد و غیرمرتبط با هویت‌های اجتماعی و فرایندهای سیاسی در سطوح<sup>۵</sup> دیگر به کار می‌رود. در بهترین حالت، تجزیه و تحلیل امنیتی‌سازی دربردارنده (بر)ساخت هویتی و سیاسی یک مرجع خاص امنیت برای [انجام] یک کنش امنیتی کننده<sup>۶</sup> است؛ اما از آنجا که هویت‌ها، سیاست و کردارها یا [رویه‌های امنیتی<sup>۷</sup>، رابطه‌ای هستند، درک عمیق فرایندهای امنیتی‌سازی به‌منظور صورت‌بندی اجتماعی بزرگ‌تر<sup>۸</sup>، نیاز به مفهومی خاص [به‌نام منظومه] دارد (Buzan & Wæver, 2009, 256-257).

بوزان و ویور همچنین درباره مفهوم منظومه تأکید کرده‌اند که کلان‌امنیتی‌سازی‌ها، منظومه‌ها را ایجاد می‌کنند؛ زیرا، به روابط و هویت‌ها، حول قدرتمندترین فراخوان [و مطالبه در راستای دفاع از یک مرجع امنیت] در یک زمان معین<sup>۹</sup>، ساختار و سازمان می‌بخشند. هنگامی که دو حوزه کلان‌امنیتی‌سازی به‌صورت متقابل با یکدیگر رقابت می‌کنند، هریک تهدیدی نهایی برای آن چیزی به‌شمار می‌آید که دیگری از آن دفاع می‌کند. هر کلان‌امنیتی‌سازی‌ای یک منظومه یکپارچه ایجاد می‌کند. از این طریق، جنگ سرد به



1. securitising actors, appropriate speech acts, and responsive audiences
2. some expansive dynamic
3. concept of security constellations
4. overall social structures of securitisation
5. isolated securitisations unrelated to social identities and political processes at other levels
6. identity and political constitution of the particular referent object for an act of securitisation
7. identities, politics and security practices are relational
8. larger social formation
9. most powerful call of a given time

منظومه‌ای تبدیل شد که دربردارنده دو کلان‌امنیتی‌سازی مهم و شبکه عظیمی از هویت‌ها و سیاست‌های به هم پیوسته حول آن دو بود (Buzan & Wæver, 2009, 259).

همچنین، بوزان و ویور درباره مفهوم منظومه می‌گویند که منظومه‌ها در نتیجه امنیت‌سازی‌های به هم وابسته [یا امنیت‌سازی‌های دارای وابستگی متقابل] طیفی از واحدها ایجاد می‌شوند<sup>۱</sup>. البته لازم نیست که کنشگران، این ساختار بزرگ‌تر را به رسمیت بشناسند. ممکن است تنها تحلیلگران بتوانند منطق و الگوی یک منظومه را تشخیص دهند؛ زیرا، هریک از کنشگران تنها از امنیت‌سازی‌هایی که خود انجام می‌دهد [و خود آن کنشگر به عنوان بازیگر امنیتی کننده عمل می‌کند] و همچنین، آن دسته از امنیت‌سازی‌هایی آگاهی دارد که به طور مستقیم در مورد آن کنشگر رخ می‌دهد. ممکن است یک منظومه، وارد حیطه آگاهی عمومی<sup>۲</sup> شود؛ همان‌گونه که در جریان جنگ سرد و پیش از آن، در نظام موازنه قوا در اروپا رخ داد و اکثریت کنشگران در همه سطوح، این واقعیت را درک کردند که حتی همه رویدادهای محلی و منطقه‌ای نیز گرفتار یک الگوی فراگیر رقابت قدرت‌های بزرگ است و کنش‌های خود را با توجه به آن انجام دادند (Buzan & Wæver, 2009, 268).

#### ۲-۴-۱. جامعیت، سطح تحلیل، و درجه حمایت مخاطبان

بوزان و ویور در مقاله خود، نموداری را با عنوان «سه بعد کلان‌امنیتی‌سازی: [درجه] جامعیت، سطوح [تحلیل]، و درجه حمایت [مخاطبان]» ترسیم کرده‌اند که فهم مفهوم «کلان‌امنیتی‌سازی» را آسان‌تر می‌کند. همان‌گونه که در شکل شماره (۲) نشان داده شده است، محور "x" نشان‌دهنده درجه جامعیت<sup>۳</sup>، از گوشه‌ای [و کوچک] تا فراگیر است. امنیت‌سازی‌های فراگیرتر معمولاً در بخش‌های گوناگونی رخ می‌دهند؛ لیکن، جامعیت را نمی‌توان بر اساس بخش‌ها [نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌محور، و محیط زیست] تعریف کرد؛ زیرا، این امکان وجود دارد که یک نوع امنیت‌سازی، چندبخشی<sup>۴</sup> باشد، اما در بخش‌های گوناگون، ناقص بوده و در نتیجه نرسیدن به بخش دیگر، به یکی از این بخش‌ها محدود شود؛ از این رو، در شرایطی که بقیه عوامل برابر است، حضور در بخش‌های بیشتر، به معنای جامع‌تر بودن است. محور "y"، نشان‌دهنده سطوح است: از سطح فردی تا جهان‌گستر-جهان‌شمول<sup>۵</sup>. محور "z" نیز نشان‌دهنده

1. constellations are generated by the interdependent securitisations of a variety of entities
2. general consciousness
3. degree of comprehensiveness
4. multi-sectoral
5. global-universal

درجه موفقیت برحسب درصدی از جمعیت موردنظر است که در نتیجه امنیتی سازی، متقاعد می شوند؛ یعنی نسبت تعداد متقاعدشدگان به [تعداد] مخاطبان موردنظر<sup>۱</sup> (Buzan & Wæver, 2009, 258).

شکل شماره (۲). سه بعد کلان امنیتی سازی از دیدگاه «بوزان و ویور»

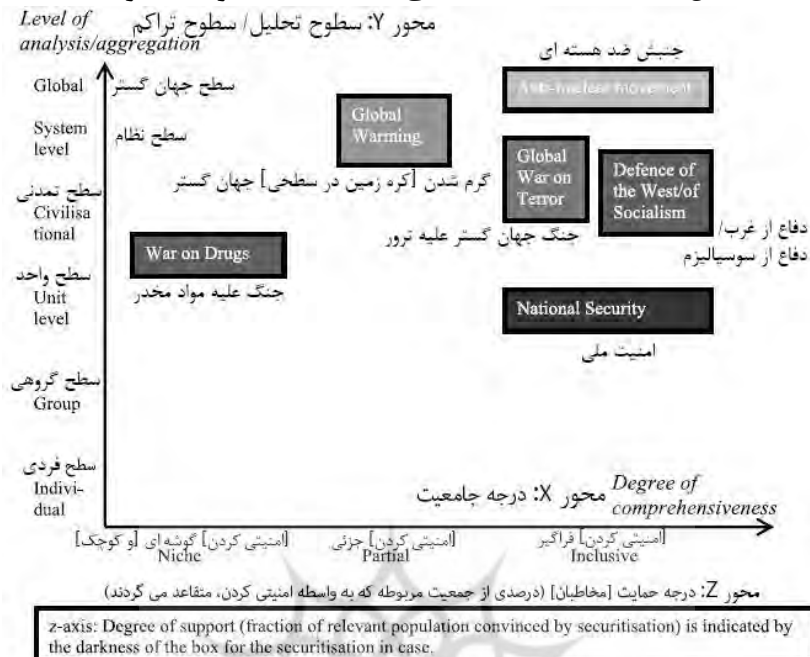


Fig. 1. The Three Dimensions of Macrosecuritization: Comprehensiveness, Level, Degree of Support.

Source: Buzan & Wæver, 2009, 259

بوزان و ویور در توضیح شکل بالا تأکید می کنند که هنگام ارزیابی ترکیبی این سه معیار به منظور بررسی اینکه آیا با یک کلان امنیتی سازی سروکار داریم یا خیر، محور "y" معمولاً نخستین و ساده ترین راه تشخیص است: مرجع [امنیت] در چه سطحی قرار می گیرد؟ در امتداد محور "x"، مراد از امنیتی سازی گوشه ای [و کوچک] مواردی مانند تهدیدهای زیست محیطی، بیماری های همه گیر، جرایم سازمان یافته، و مواد مخدر است که به عنوان تهدیدهای پذیرفته شده در دستور کار قرار می گیرند؛ ولی اولویت بالایی را به خود اختصاص نمی دهند. کلان امنیتی سازی ها لزوماً به عنوان کاندیدای [امنیتی سازی] تهدیدهای با درجه بالا شناخته می شوند (اگرچه ممکن است نتوانند این کار را انجام دهند؛ به عنوان نمونه، ژئواکانومی<sup>۲</sup>،

1. relevant audience
2. geo economics



تروریسم، گسترش تسلیحات هسته‌ای). سرانجام، محور "z" به گونه‌ای دقیق تعیین نمی‌کند که آیا یک موضوع، کلان‌امنیتی شده است یا خیر، اما اگر موضوعی مصداق کلان‌امنیتی سازی باشد، به ما می‌گوید که آیا قدرتمند است یا خیر. همان‌گونه که پیشتر مطرح شد، شیوه قابل دفاعی برای مشخص کردن امنیتی سازی‌های «روبه‌پایین»<sup>۱</sup> بر پایه اهمیت کنش‌های مشروع وجود ندارد؛ لیکن می‌توان قدرت یک فرایند امنیتی سازی را از طریق تأثیر آن بر منظومه‌ها، به گونه‌ای غیرمستقیم مشاهده کرد (Buzan & Wæver, 2009, 258-259).

### ۳-۴-۱. جهان‌شمول‌گرایی

بوزان و ویور، توضیحات خود را درباره جهان‌شمول‌گرایی، با طرح چند پرسش مهم آغاز می‌کنند. «خاستگاه کلان‌امنیتی سازی‌ها و منظومه‌ها کجا است؟»<sup>۲</sup> «چه کسی آن‌ها را می‌سازد و چه شکل‌هایی می‌تواند داشته باشند؟» از یک زاویه سیاسی‌تر، «چه کسی، با چه اهدافی و در چه شرایطی سعی می‌کند کلان‌امنیتی سازی‌ها را ایجاد کند و چه پویایی‌هایی در پی ایجاد یک کلان‌امنیتی سازی ایجاد خواهد شد؟» «کلان‌امنیتی سازی را به‌منظور حفاظت از [کدام مراجع امنیت در سطح بالاتر می‌توان طرح‌ریزی کرد؟]» «چگونه این احتمالات توسط ساختار هویت‌های سیاسی در سطح واحد، مشروط می‌شوند؟» برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است که به این نکته توجه داشته باشیم که کلان‌امنیتی سازی‌ها و منظومه‌ها اغلب با هم مرتبط هستند. جنگ سرد، چنین پیوندی را نشان می‌دهد؛ آنجا که ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، دو ایدئولوژی جهان‌شمول را در یک رقابت با حاصل جمع صفر<sup>۳</sup> ترویج کردند (هریک علیه دیگری و در دفاع از ادعای در دست داشتن آینده بشریت، یک عرصه کلان‌امنیتی را ایجاد کرد) و به این ترتیب، منظومه جنگ سرد ایجاد شد. لازمه فهم این کلان‌امنیتی سازی‌ها و ثبات [و پایداری] منظومه ایجادشده توسط آن‌ها، دردسترس بودن ایدئولوژی‌های جهان‌شمول است که نه تنها در راستای تقویت هویت اصلی دو ابرقدرت نقش آفرینی می‌کردند، بلکه با نخبگان و توده‌ها به‌عنوان مخاطبان گسترده‌تر در غرب و جهان سوسیالیست، صحبت می‌کردند. شعارهای حزبی<sup>۴</sup> مانند «دموکراسی»، «آزادی»، و «سوسیالیسم»، نه تنها برای مخاطبان داخلی ابرقدرت‌ها، بلکه برای مخاطبان بین‌المللی بسیار گسترده‌تری مطرح شدند. به اشتراک گذاری



1. eecutttaaaiiond ddbwnwadd'  
2. what are the sources of macrosecuritisations and constellations  
3. in zero-sum competition  
4. Watchwords

ارزش‌های مرتبط با این شعارهای حزبی، ایجاد یک حس بین‌ذهنی از تهدید<sup>۱</sup> را تسهیل کردند (Buzan & Wæver, 2009, 260).

بوزان و ویور، پس از ارائه این توضیحات کلی، انواع گوناگون جهان‌شمول‌گرایی را تعریف کرده و توضیح داده‌اند. منظومه را می‌توان بدون نقش‌آفرینی ایدئولوژی‌ها در آن ایجاد کرد. همان‌گونه که در قرن هجدهم میلادی در اروپا، چندین قدرت بزرگ که همگی ایدئولوژی یکسانی داشتند (در این مورد پادشاهی)، تشکیل امپراتوری و موازنه قوا را در مقیاس جهانی دنبال می‌کردند. اما جنگ‌های صلیبی، تقابل بین سلطنت و جمهوری خواهی، و نمونه‌های جنگ سرد، توجه را به سوی باورهای جهان‌شمول<sup>۲</sup> و ادعا بر سر منابع اصلی کلان‌امنیتی‌سازی‌ها و منظومه‌های مرتبط با آن‌ها، جلب می‌کند. جنگ سرد، نشان‌دهنده نوع خاصی از جهان‌شمول‌گرایی (نوع فراگیر) بود که تنها احتمال ممکن نیست. چهار نوع جهان‌شمول‌گرایی وجود دارد و هر یک از آن‌ها نقش متفاوتی در سرشت و پویایی‌های احتمالی کلان‌امنیتی‌سازی‌ها و منظومه‌ها دارند.

۱. جهان‌شمول‌گرایی فراگیر<sup>۳</sup>: باورهای ایدئولوژیک (خواه سکولار و خواه مذهبی) درباره بهترین راه برای بهینه‌سازی شرایط زندگی بشر. این باورها جهان‌شمول هستند؛ به این معنا که ادعا می‌کنند به‌طور مستقیم و بی‌واسطه به همه افراد بشر قابل‌اطلاق هستند (به‌عنوان نمونه، لیبرالیسم، مارکسیسم، مسیحیت، اسلام) (Buzan & Wæver, 2009, 260).

اما جهان‌شمول‌گرایی فراگیر تنها نوع جهان‌شمول‌گرایی نیست و بوزان و ویور در ادامه سه نوع دیگر جهان‌شمول‌گرایی را معرفی و تعریف کرده‌اند.

۲. جهان‌شمول‌گرایی انحصاری<sup>۴</sup>: باورهای ایدئولوژیکی که ادعای حقوق و منزلت برتر یک گروه نسبت به بقیه انسان‌ها را دارند (به‌عنوان نمونه، نازیسم، دکترین امپراتوری اروپا در مورد برتری سفیدپوستان، و دکترین امپراتوری ژاپن). جهان‌شمولی این باورها به این معناست که ادعای حقانیت یک گروه به‌منظور حکومت بر همه بشریت را مطرح می‌کنند.

۳. جهان‌شمول‌گرایی نظم موجود<sup>۵</sup>: ادعاهای سیاسی درباره تهدیدهای موجود برای یک یا چند نهاد جامعه

1. an intersubjective sense of threat
2. universalist beliefs
3. inclusive universalisms
4. exclusive universalisms
5. existing order universalisms



بین الملل<sup>۱</sup> که جهان شمول هستند. جهان شمول به این معنا که ساختار اجتماعی بین المللی در سطح جهان گستر<sup>۲</sup> را به عنوان مرجع امنیت در نظر می گیرند. چنین ادعاهایی می توانند با ادعاهای مطرح شده در جهان شمول گرایی فراگیر، هم پوشانی داشته باشند؛ اگر چارچوبی را به جامعه بین الملل ارائه کرده باشند (مانند چارچوبی که لیبرالیسم برای اقتصاد جهانی فعلی ایجاد کرد).

۴. جهان شمول گرایی تهدید فیزیکی [یا جسمانی]<sup>۳</sup>: این نوع جهان شمول گرایی، ادعاهایی را در بر می گیرد که بر خطرات تهدید کننده آحاد بشریت در مقیاس جهانی [یا سیاره ای<sup>۴</sup>] تأکید دارند (به عنوان نمونه، تسلیحات هسته ای، گرم شدن کره زمین، و بیماری های جدید). این ادعاها جهان شمول هستند؛ زیرا، سرنوشت جسمانی بشریت را به عنوان مرجع اصلی خود در نظر می گیرند (Buzan & Wæver, 2009, 260-261).

#### ۴-۱-۴. برخورداری از برخی شرط های خاص برای موفقیت آمیز بودن کنش گفتاری

قابلیت تولید یک طرح کلان امنیتی موفق، تنها به قدرت بستگی ندارد، بلکه به (بر)ساخت مراجع امنیت در سطح بالاتر<sup>۵</sup> بستگی دارد که بتوانند سیاست هویت<sup>۶</sup> طیف گسترده ای از کنشگران را درون نظام جلب و بسیج کنند؛ به بیان روشن تر، این موضوع تاحدودی به ایجاد نوعی وحدت مثبت<sup>۷</sup> بر پایه ارزش های مشترک مشترک بین کنشگران و هویت های مختلف، و بخش دیگر آن به ایجاد وحدت منفی<sup>۸</sup> بستگی دارد، به گونه ای که در آن همه مشارکت کنندگان می توانند بر سر آنچه به عنوان [یک امر] تهدید کننده درک می نمایند، توافق کنند (Buzan & Wæver, 2009, 268).

#### ۲. روش بررسی «کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران» توسط بازیگر امنیتی کننده

بررسی کنش گفتاری کلان امنیتی سازی جمهوری اسلامی توسط ترامپ، در پژوهش حاضر، مبتنی بر بررسی سخنان، پیام ها، مصاحبه ها، و بیانیه های مطبوعاتی دولت وی است.

دسترسی به این موارد، از طریق تارنمای معتبر "The American Presidency Project" امکان پذیر شد که

1. political claims about threats to one or more of the institutions of international society
2. global level international social structure
3. physical threat universalisms
4. a planetary scale
5. construction of higher level referent objects
6. identity politics
7. a unity of positives
8. a unity of negatives



سخنان، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، و... همه رؤسای جمهور ایالات متحده در آن ارائه شده است. پس از وارد کردن کلیدواژه "Iran" در قسمت جست‌وجوی این تارنما، یافته‌های زیادی به دست آمد که به صورت گزینشی در پژوهش حاضر به کار رفته‌اند. با بررسی سخنان این مقام دولتی از طریق روش تحلیل محتوا، (۱) عناصر اصلی کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی ایران در سخنان بازیگر امنیتی‌کننده (ترامپ)؛ (۲) شرایط تسهیل‌کننده این کنش‌گفتاری، بررسی و واکاوی شده است. به دلیل محدودیت‌های حجمی مقاله‌های علمی-پژوهشی، در پژوهش حاضر، تنها به بیان بخش‌هایی از هشت سخنرانی / اظهار نظر / بیانیه ترامپ بسنده کرده‌ایم.

ترامپ در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۶ (۲ فروردین ۱۳۹۵) و پیش از تصدی مقام ریاست‌جمهوری در کنفرانس سیاست‌گذاری «ایپک»، ایران را به‌عنوان یک تهدید تروریستی برای مردم جهان (۲۵ کشور مختلف در پنج قاره جهان) معرفی و بیان کرد:

ایران، بذر گروه‌های تروریستی را در سرتاسر جهان کاشته است. در طول پنج سال گذشته، ایران حملات تروریستی پیوسته‌ای را در ۲۵ کشور مختلف در پنج قاره جهان انجام داده است. آن‌ها هسته‌ها / یا سلول‌های [ترور را در هر کجا تولید کرده‌اند؛ از جمله در نیم کره غربی و [جایی] بسیار نزدیک به خانه [غربی‌ها]. ایران، بزرگ‌ترین حامی مالی تروریسم در سرتاسر جهان است و ما در راستای زمین‌گیر کردن [ایران در تحقق] این هدف [که به دنبال آن است] تلاش خواهیم کرد، باور داشته باشید! باور داشته باشید!

(Trump, March 21, 2016)

ترامپ پس از انتخاب شدن به‌عنوان چهل و پنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده، تلاش خود را برای کلان‌امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران دوچندان کرد. در بیانیه مطبوعاتی کاخ سفید درباره پرتاب موشک‌های بالستیک ایران که در ۱ فوریه ۲۰۱۷ (۱۳ بهمن ۱۳۹۵) و توسط مشاور امنیت ملی ایالات متحده قرائت شد، باز هم جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان تهدیدی برای امنیت سراسر غرب آسیا [خاورمیانه] و حتی فراتر از آن، معرفی شد:

دولت اوپاما نتوانست پاسخی مناسبی به اقدامات بدخواهانه تهران، از جمله انتقال سلاح، حمایت از تروریسم، و سایر موارد نقض هنجارهای بین‌المللی، بدهد. دولت ترامپ [انجام] چنین اقداماتی از سوی ایران را که امنیت، رفاه، و ثبات را در سراسر خاورمیانه [غرب آسیا] و فراتر از آن تضعیف می‌کند و زندگی آمریکایی‌ها را به خطر می‌اندازد، محکوم می‌کند (Trump, February 01, 2017).

بیانیه مطبوعاتی دو روز بعد کاخ سفید که باز هم توسط مایکل تی. فلین، مشاور امنیت ملی ایالات متحده،



قرائت شد، ایران را به عنوان تهدیدکننده منافع جامعه بین الملل (یعنی مردم جهان) معرفی و عنوان کرد: جامعه بین المللی [تاکنون] در برابر رفتارهای بد ایران، بیش از حد مدارا کرده است. تشکیل تشریفاتی نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور یک بیانیه قوی کافی نیست. دولت ترامپ، [اقدامات] تحریک آمیز ایران که تهدیدکننده منافع ماست را دیگر تحمل نخواهد کرد (Trump, February 01, 2017).

ترامپ در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۴ شهریور ۱۳۹۶)، نیز در جریان برگزاری یک نشست ویدئویی با رهبران یهودی ایالات متحده، ایران را تهدیدی واقعی برای امنیت جامعه جهانی خطاب کرد و گفت: ... دولت من، سازمان ملل متحد را به گونه ای موفقیت آمیز تحت فشار قرار داده است تا از [انتشار] گزارش غیرمنصفانه و سوگیرانه [یا مغرضانه] علیه اسرائیل صرف نظر کند. این کار وحشتناکی بود که آن‌ها انجام می دادند. و تأکید کردم که سازمان ملل متحد در عوض بر تهدیدهای واقعی [متوجه] امنیت ما [یعنی امنیت جامعه جهانی] مانند ایران، حزب...، و داعش تمرکز کند (Trump, September 15, 2017).

وی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۸ شهریور ۱۳۹۶) نیز از جامعه جهانی خواست که علیه تهدید ایران با ایالات متحده همراه شوند:

اکنون زمان آن فرا رسیده است که همه جهان با ما همراه شوند و از حکومت ایران بخواهند به پیگیری خود [برای] مرگ و نابودی [دیگران] پایان دهد. زمان آن فرا رسیده است که رژیم [ایران]، همه آمریکایی‌ها و شهروندان ملت‌های دیگر را که به ناحق بازداشت کرده است، آزاد کند و مهم‌تر از همه، حکومت ایران باید حمایت از تروریست‌ها را متوقف و خدمت به مردم خود را آغاز کند و به حق حاکمیت همسایگانش احترام بگذارد (Trump, September 19, 2017).

ترامپ در تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۱ مهر ۱۳۹۶)، پس از مشورت با تیم امنیت ملی خود، راهبرد جدیدی را در قبال ایران تصویب کرد. در بیانیه مطبوعاتی منتشر شده توسط کاخ سفید، باز هم ایران به عنوان تهدیدی برای مردم منطقه غرب آسیا [خاورمیانه] و حتی برهم‌زننده نظم بین الملل معرفی شد. عناصر اصلی این راهبرد جدید عبارتند از:

راهبرد جدید ایالات متحده در مورد ایران بر خنثی‌سازی تأثیر بی‌ثبات‌کننده حکومت ایران و محدود کردن ستیزه‌جویی‌های آن، به ویژه حمایت از تروریسم و ستیزه‌جویان، تمرکز دارد؛ ما اتحادهای سنتی و مشارکت‌های منطقه‌ای خود را به عنوان خاکریزهایی در برابر خرابکاری ایران، احیا، و توازن قوای پایدارتری را در منطقه برقرار خواهیم کرد؛





ما تلاش خواهیم کرد مانع تأمین بودجه فعالیت‌های بدخواهانه رژیم ایران به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - شویم و با فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که ثروت مردم ایران را غارت می‌کنند، مخالفت می‌کنیم؛

ما با تهدیدهای [ایجاد شده برای] ایالات متحده و متحدانمان از طریق موشک‌های بالستیک و تسلیحات نامتقارن دیگر مقابله خواهیم کرد؛

ما از جامعه جهانی برای محکوم‌سازی نقض شدید حقوق بشر توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بازداشت ناعادلانه شهروندان آمریکایی و اتباع خارجی دیگر به اتهام‌های واهی، حمایت خواهیم کرد؛

مهم‌تر از همه اینکه ما تمام مسیرهای دستیابی رژیم ایران به تسلیحات هسته‌ای را قطع خواهیم کرد (Trump, October 13, 2017).

درضمن در یکی از بخش‌های این راهبرد با عنوان «مقابله با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» آمده است: «هدف اعلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برهم‌زدن نظم بین‌الملل است» (Trump, October 13, 2017).

ساعاتی پس از انتشار این راهبرد، ترامپ در یک سخنرانی، جمهوری اسلامی ایران را به ستیزه‌جویی مداوم در غرب آسیا [خاورمیانه] و حتی در سرتاسر جهان متهم کرد. وی درباره ابعاد گوناگون راهبرد دولت اظهار کرد:

من امروز، راهبرد خود را اعلام کردم و در کنار آن، چندین گام مهم را به‌منظور مقابله با اقدامات خصمانه رژیم ایران و اطمینان از اینکه ایران هرگز سو تأکید می‌کنم هرگز - به تسلیحات هسته‌ای دست نمی‌یابد، برخواهیم داشت. سیاست ما بر یک ارزیابی دقیق از دیکتاتوری ایران، حمایت مالی آن [کشور] از تروریسم، و ستیزه‌جویی مداوم آن در خاورمیانه [غرب آسیا] و سرتاسر جهان مبتنی است. ایران... مرگ، ویرانی، و هرج‌ومرج را در سرتاسر جهان گسترش می‌دهد. (Trump, October 13, 2017 a).

ترامپ در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۸ (۲۲ اسفند ۱۳۹۶)، با حضور در پایگاه میرامار در ایالت کالیفرنیا، خطاب به تفنگداران دریایی ایالات متحده، ایران را به‌عنوان یک حامی مالی ترور و خونریزی در سرتاسر جهان معرفی کرد و اظهار داشت:

ما همچنین همراه با متحدان و شرکای خود در تلاش هستیم تا مسیر رسیدن ایران به تسلیحات هسته‌ای را مسدود کرده و با [اقدامات ایران در] حمایت مالی از ترور و خونریزی در سرتاسر جهان مقابله کنیم. ما به هرکجای خاورمیانه که می‌رویم، [آنچه می‌بینیم] ایران است، ایران است، و ایران است. در پس هر

مشکلی، ایران حضور دارد (Trump, March 13, 2018).

یافته‌های تحلیل محتوای این هشت سخنرانی ترامپ در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

### جدول شماره (۱). یافته‌های تحلیل محتوای هشت سخنرانی / اظهارنظر / بیانیه ترامپ درباره جمهوری

#### اسلامی ایران

ردیف	تاریخ سخنرانی / اظهار نظر / بیانیه ترامپ	اشاره به حمایت ایران از تروریسم در سرتاسر جهان	اشاره به تهدید امنیت، وفاداریات مردم جهان توسط ایران	اشاره به رفتارهای مغرب ایران	اشاره به برهم زدن نظم بین‌الملل (و چهارم‌های بین‌المللی) توسط ایران	اشاره به تلاش ایران جهت دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی، انتقال سلاح به متحدان و تهدید امنیت بین‌الملل
۱	۲۱ مارس ۲۰۱۶ (۲ فوریه ۱۳۹۵)	۱	-	-	-	-
۲	۱ فوریه ۲۰۱۷ (۱۳ بهمن ۱۳۹۵)	۱	۱	-	۱	-
۳	۳ فوریه ۲۰۱۷ (۱۵ بهمن ۱۳۹۵)	-	۱	۱	-	-
۴	۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۴ شهریور ۱۳۹۶)	-	۱	-	-	-
۵	۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۸ شهریور ۱۳۹۶)	۱	-	۲	-	-
۶	۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۱ مهر ۱۳۹۶)	۱	-	۳	۱	-
۷	۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۱ مهر ۱۳۹۶) (نوم)	۱	۱	۱	-	۱
۸	۱۳ مارس ۲۰۱۸ (۲۲ اسفند ۱۳۹۶)	۱	۱	۱	-	۱
	مجموع	۶	۵	۸	۲	۴

منبع: نگارندگان

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین مطرح شد، بوزان و ویور درباره «کلان‌امنیتی‌سازی» بر این نظرند که این راهبرد بر پایه همان قواعدی تعریف می‌شود که در دیگر امنیتی‌سازی‌ها نیز اعمال می‌شود: شناسایی [و هویت‌بخشی به] یک تهدید و وجودی برای یک مرجع ارزشمند [امنیت] و فراخوان تمهیدات استثنائی [به‌منظور مقابله با آن تهدید]. متون بررسی شده آشکارا همه مؤلفه‌های کنش‌گفتاری امنیتی کردن ایران را در خود دارند؛ بنابراین، بازیگر امنیتی‌کننده (در اینجا ترامپ)، موضوع امنیتی (در اینجا جمهوری اسلامی) را تهدیدی برای بقای یک مرجع (در اینجا زندگی جامعه جهانی یا دست‌کم بلوک غرب) تعریف می‌کند که حق بقا دارد. در بقا، نقطه‌ای بی‌بازگشت وجود دارد که نشان می‌دهد، برای عمل کردن خیلی دیر شده است؛ بنابراین، نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی واگذار کرد (آنجا که ترامپ می‌گوید: «اکنون زمان آن فرا رسیده است که همه جهان با ما همراه شوند و...»). به همین دلیل، بخش امنیتی‌کننده به‌منظور بقای مرجع، از ابزارهای غیرعادی و نقض قواعد عادی استفاده می‌کند.

در متن‌های بررسی شده، آشکارا می‌توان مشاهده کرد که ترامپ با بیان عبارتهایی مانند «ایران، بذر گروه‌های تروریستی را در سرتاسر جهان کاشته است»، «ایران، بزرگ‌ترین حامی مالی تروریسم در سرتاسر جهان است»، «ستیزه‌جویی پیوسته ایران در خاورمیانه و سرتاسر جهان»، «ایران... مرگ، ویرانی، و هرج‌ومرج را در سرتاسر جهان گسترش می‌دهد»، «هدف اعلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برهم‌زدن نظم بین‌الملل است» و مواردی از این دست سعی کرد ایران را به‌عنوان یک تهدید سطح کلان برای مرجع امنیت سطح کلان (در اینجا جامعه جهانی یا دست‌کم بلوک غرب) معرفی کند. همچنین، با بیان عبارتهایی مانند «جامعه بین‌المللی [تاکنون] در برابر رفتارهای بد ایران بیش‌ازحد مدارا کرده است» یا



۲۶۷

دلایل ناکامی ترامپ در شناساندن ایران به‌عنوان تهدید متوجه امنیت بین‌الملل



«اکنون، زمان آن فرا رسیده است که همه جهان با ما همراه شود و...»، «تشکیل تشریفاتی نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور یک بیانیه قوی کافی نیست»، و... به موضوع رسیدن به «نقطه بی‌بازگشت» و اینکه «برای عمل کردن، خیلی دیر شده است؛ بنابراین، نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی واگذار کرد» اشاره کرده است. در ضمن با بیان جمله‌هایی مانند «ما در راستای زمین‌گیر کردن [ایران در تحقق] آن هدف [که به دنبال آن است] تلاش خواهیم کرد»، «دولت ترامپ، دیگر [اقدامات] تحریک‌آمیز ایران را که تهدیدکننده منافع ما است، تحمل نخواهد کرد»، «راهبرد جدید ایالات متحده در قبال ایران بر خنثی‌سازی تأثیر بی‌ثبات‌کننده حکومت ایران و محدود کردن ستیزه‌جویی‌های آن، به‌ویژه حمایت از تروریسم و ستیزه‌جویان تمرکز دارد»، «ما همه مسیرهای دستیابی رژیم ایران به تسلیحات هسته‌ای را قطع خواهیم کرد»، «ما همراه با متحدان و شرکا [ای خود] در تلاش هستیم تا مسیر رسیدن ایران به تسلیحات هسته‌ای را مسدود کرده و با [اقدامات ایران در] حمایت مالی از ترور و خونریزی در سرتاسر جهان، مقابله کنیم» و... استفاده از ابزارهای غیرعادی و نقض قواعد عادی را گوشزد کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت، ترامپ در راستای کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران گام برداشت؛ اگرچه به چند علت موفق نشد.

### ۳. علل ناموفق بودن کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی ایران توسط ترامپ

۱. عدم رعایت جنبه بیرونی شرایط تسهیل‌کننده کلان‌امنیتی‌سازی ایران، یعنی ناتوانی در معرفی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید سطح کلان برای مرجع امنیت سطح کلان (در اینجا جامعه جهانی یا دست‌کم بلوک غرب)؛ شرایط تسهیل‌کننده، شرایطی هستند که کنش‌گفتاری در چارچوب آن‌ها عمل می‌کند و احتمال امنیتی‌سازی را کاهش یا افزایش می‌دهند. موفقیت هر کنش‌گفتاری به دو دسته «شرایط درونی» و «شرایط بیرونی» بستگی دارد (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998, 32-33).

ترامپ در رعایت «شرایط بیرونی» کنش‌گفتاری، بسیار ناموفق بود. با توجه به اینکه دومین «شرط بیرونی» به تهدید اشاره دارد، یعنی بتوان به امور مشخصی اشاره کرد که عموماً تهدیدکننده به‌شمار می‌آیند، ترامپ موفق نشد ایران را به‌عنوان یک تهدید امنیتی عینی و ملموس برای مردم جهان مجسم کند. به بیان روشن‌تر، ترامپ در زمینه متجلی‌سازی تهدید، ناموفق عمل کرد و با اینکه بارها سخن از تهدید وجودی بودن ایران بر زبان راند، نتوانست جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک تهدید عینی و ملموس به مردم جهان نشان دهد؛ زیرا، هیچ‌یک از مردم جهان به یاد نداشتند که جمهوری اسلامی در خاک آنان یک اقدام خرابکارانه، از جمله عملیات تروریستی، انجام داده باشد. ضمن اینکه مبارزه ایران با عناصر داعش، هنوز از خاطره

جامعه جهانی پاک نشده بود.

۲. عدم ایجاد وحدت منفی یا ناتوانی در ایجاد اجماع علیه ایران: همان گونه که بیشتر بیان شد، قابلیت تولید یک روایت کلان‌امنیتی موفق به دو مورد بستگی دارد: الف) ایجاد وحدت مثبت بر پایه ارزش‌هایی که بین کنشگران و هویت‌های مختلف مشترک است؛ ب) ایجاد وحدت منفی، به گونه‌ای که در آن همه مشارکت‌کنندگان می‌توانند بر سر آنچه آن را به‌عنوان [یک امر] تهدیدکننده درک می‌کنند، توافق کنند. ترامپ در ایجاد وحدت منفی یا ایجاد اجماع علیه ایران ناموفق بود. با وجود تلاش وی، همه مشارکت‌کنندگان (در اینجا جامعه جهانی یا دست کم بلوک غرب) بر سر درک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک امر تهدیدکننده ذهنی [و نه عینی] توافق نداشته و ندارند. رأی منفی اکثریت نسبی اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به بازگشت تحریم‌های ایران در کنار دو رأی مثبت (رأی آمریکا و جمهوری دومینیکن)، نمود عینی این مطلب است؛

۳. ناتوانی در تبدیل مخاطبان عادی به مخاطبان حمایت‌کننده یا عدم اقناع مخاطبان (در اینجا جامعه جهانی): همان گونه که بیشتر اشاره شد، هرچه نسبت تعداد متقاعدشدگان به تعداد مخاطبان بیشتر باشد، فرایند کلان‌امنیتی‌سازی، موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. واقعیت این است که ترامپ نتوانست افکار عمومی جهانی را به گونه‌ای چشمگیر متقاعد کند که ایران، یک تهدید وجودی علیه آن‌ها است. این موضوع به عدم رعایت «شرایط بیرونی» کنش‌گفتاری توسط ترامپ مربوط می‌شود؛ به این معنا که سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌کننده یا بیان‌کننده کنش‌گفتاری امنیتی‌سازی (در اینجا ترامپ)، بسیار پایین بود و وی در سطح جامعه جهانی در جایگاهی نبود که بتواند کنش‌گفتاری موفقیت‌آمیزی داشته باشد؛ آن‌هم یک کنش‌گفتاری برای کلان‌امنیتی‌سازی.

در اینجا به منظور اثبات استدلال بالا، به یافته‌های نظرسنجی یک اندیشکده (یا هیئت‌اندیشه‌ورز) معتبر آمریکایی استناد می‌شود. مرکز تحقیقات پیو<sup>۱</sup> در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۳ بهمن ۱۳۹۸) نتایج نظرسنجی خود را درباره نگرش مردم جهان درباره ایران و اینکه «آیا ایران در آینده، تهدید مهمی برای کشور آن‌ها خواهد بود؟» را منتشر کرد. یافته‌های این نظرسنجی که با عنوان «قبل از مرگ [و به تعبیر دقیق‌تر، شهادت شهید والامقام حاج] قاسم سلیمانی، نگرانی درباره ایران در بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده کاهش





یافته است<sup>۱</sup>» و به قلم *مورا فیگن* و *مارا موردخای*<sup>۲</sup> منتشر شد، نشان می‌دهد که تنها افکار عمومی هشت کشور جهان در پاسخ به پرسش «کدام کشور یا گروه در آینده تهدید مهمی برای کشور آن‌ها به نظر می‌رسد؟»<sup>۳</sup>، با میزانی بیش از یک درصد، ایران را به‌عنوان کشور یا گروهی که در آینده، تهدید مهمی برای کشورشان خواهد بود، معرفی کرده‌اند. ۵۸ درصد پاسخ‌دهندگان اسرائیلی، ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان لبنانی، ۶ درصد پاسخ‌دهندگان ایالات متحده، ۳ درصد پاسخ‌دهندگان نیجریه، و تنها یک درصد پاسخ‌دهندگان استرالیا، کانادا، تونس، و ترکیه، ایران را تهدید مهمی برای کشور خود معرفی کرده‌اند (شکل شماره ۳). نکته جالب نظرسنجی یادشده این است که افکار عمومی پنج کشور لبنان، ایالات متحده، کانادا، مکزیک، و کنیا در سال ۲۰۰۷ با نسبت بسیار بیشتری ایران را به‌عنوان یک تهدید مهم علیه کشور خود قلمداد می‌کردند. افکار عمومی پنج کشور لبنان، ایالات متحده، کانادا، مکزیک، و کنیا در سال ۲۰۰۷ و در پاسخ به این پرسش که «کدام کشور یا گروه در آینده، تهدید مهمی برای کشور آن‌ها خواهد بود؟» به ترتیب با ۳۷ درصد، ۲۴ درصد، ۱۶ درصد، ۱۳ درصد، و ۱۲ درصد، ایران را به‌عنوان پاسخ پرسش و در نتیجه، یک تهدید مهم برای کشورشان معرفی کردند؛ حال آنکه افکار عمومی پنج کشور یادشده در سال ۲۰۱۹ و در پی پاسخ به همان پرسش، به ترتیب با ۱۰ درصد، ۶ درصد، ۱ درصد، صفر درصد، و صفر درصد، ایران را به‌عنوان یک تهدید مهم برای کشورشان معرفی کردند (شکل شماره ۴) (Fagan & Mordecai, January 23, 2020).

۴. فقدان یک بعد جهان‌شمول در کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران: ترامپ نتوانست هیچ‌یک از چهار نوع جهان‌شمول‌گرایی فراگیر، انحصاری، نظم موجود، و تهدید فیزیکی را در راستای تسهیل کلان‌امنیتی‌سازی ایران به کار گیرد. پیشینیان ترامپ پس از پایان جنگ جهانی دوم با استفاده از جهان‌شمول‌گرایی فراگیر، یعنی معرفی باورهای ایدئولوژیک لیبرالیسم به‌عنوان بهترین راه برای بهینه‌سازی شرایط زندگی بشر، بهره‌جستند و توانستند مارکسیسم را به‌گونه‌ای کاملاً موفقیت‌آمیز کلان‌امنیتی کنند، اما وی نتوانست هیچ‌یک از این چهار نوع جهان‌شمول‌گرایی را در راستای کلان‌امنیتی‌سازی موفقیت‌آمیز ایران به کار گیرد. به‌همین دلیل، با وجود تأکید بوزان و ویور بر این نکته که با توجه به ارتباط کلان‌امنیتی‌سازی‌ها با جهان‌شمول‌گرایی، یکی از انواع مشهود بازیگران امنیتی‌کننده برای رویه‌های

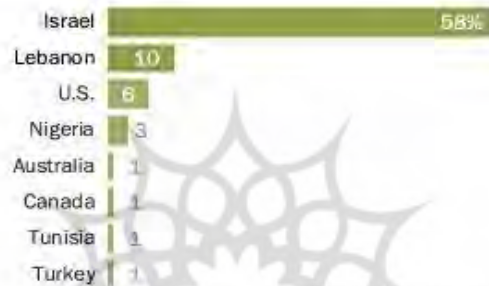
1. see foe Sommarivss death, concerns about Iran had fallen in many countries – including the U.S.
2. Moira Fagan and Mara Mordecai
3. which country or group poses the greatest threat to their country in the future

کلان‌امنیتی‌سازی، قدرت‌های بزرگ ایدئولوژیکی هستند که اغلب، ریشهٔ انقلابی دارند (به‌عنوان نمونه، ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، و چین دورهٔ مائو) (Buzan & Wæver, 2009, 268)، ترامپ به دلیل استفاده نکردن از هیچ‌یک از چهار نوع جهان‌شمول‌گرایی، نتوانست یک کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌ساز موفقیت‌آمیز [یا نتیجه‌بخش] انجام دهد. ناتوانی بازیگر امنیتی‌کننده در هم‌دل و هم‌رنگ و هم‌سرنوشت نشان دادن خود با مخاطبان، ناشی از عدم به‌کارگیری این چهار نوع جهان‌شمول‌گرایی در راستای «کلان‌امنیتی‌سازی» موفقیت‌آمیز ایران بود.

شکل شمارهٔ (۳). میزان تهدیدانگاری ایران در هشت کشور مورد بررسی

### Israelis most likely to name Iran as top threat to their country

% in \_\_\_ who name Iran as the country or group that poses the greatest threat to their country in the future



Note: Only countries where 1% or greater named Iran as a threat shown.

Source: Spring 2019 Global Attitudes Survey, Q23.

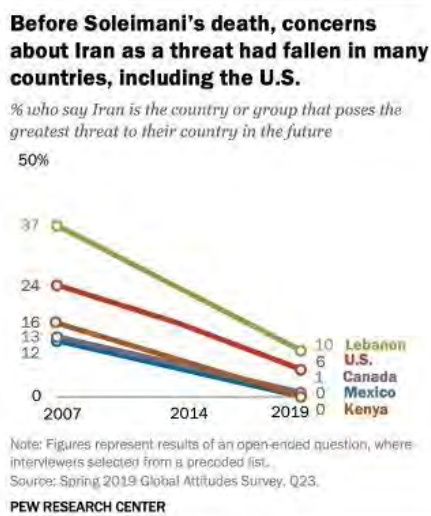
PEW RESEARCH CENTER

Source: Fagan & Mordecai, January 23, 2020

۵. عدم رعایت جنبهٔ درونی شرایط تسهیل‌کنندهٔ کلان‌امنیتی‌سازی ایران، یعنی عدم انتخاب شعارها و اصطلاحات مناسبی که با استناد به آن‌ها می‌توان موضوعات خاص را بدون ارائهٔ استدلال‌های دقیق دربارهٔ چرایی امنیتی بودن آن‌ها، امنیتی کرد. شرایط تسهیل‌کننده، شرایطی هستند که کنش‌گفتاری در چارچوب آن‌ها عمل می‌کند و احتمال امنیتی کردن را کاهش یا افزایش می‌دهند. موفقیت هر کنش‌گفتاری، به دو دسته «شرایط درونی» و «شرایط بیرونی» بستگی دارد. مهم‌ترین «شرایط درونی» هر کنش‌گفتاری، پیروی از قالب امنیتی، دستور زبان امنیت، و درانداختن طرحی است که متضمن تهدید وجودی، نقطهٔ بی‌بازگشت، و

راه احتمالی برون‌رفت باشد (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998: 32-33).

شکل شماره (۴). دیدگاه افکار عمومی پنج کشور درباره تهدیدانگاری ایران در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۹



Source: Fagan & Mordecai, January 23, 2020

ترامپ در رعایت «شرایط درونی» کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی نیز موفق عمل نکرد: الف) موفق نشد جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک تهدید وجودی (تهدید برای جامعه جهانی یا دست‌کم بلوک غرب) معرفی کند؛ ب) توفیق پیدا نکرد که نشان دهد، جامعه جهانی در مورد ایران، به نقطه بی‌بازگشت رسیده است؛ ج) نتوانست راه احتمالی برون‌رفت (یعنی مقابله با ایران و حتی جنگ با این کشور) را جا بیندازد. حتی گویش یا لهجه خاص امنیت، یعنی در خطر بودن جان مردم سرتاسر جهان توسط ایران را نیز درست ادا نکرد.

شعارها و اصطلاحاتی که ترامپ در راستای کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی ایران به کار گرفت نیز مناسب و دقیق نبود. متهم کردن ایران به اینکه «بذر گروه‌های تروریستی را در سرتاسر جهان کاشته است»، یک نمونه عینی از عدم به‌کارگیری شعارها و اصطلاحات مناسب است. بدیهی است که متهم کردن کشوری که چند هزار نفر از نیروهای زبده خود را برای مقابله با تبلور عینی تروریسم، یعنی داعش، از دست داده است، اوج کج‌سلیقگی و بی‌تدبیری یک بازیگر امنیتی‌کننده را نشان می‌دهد. گفتنی است، مفهوم





امنیتی سازی نهادینه شده<sup>۱</sup>، به موضوع ضرورت استفاده از اصطلاحات و تعابیر مناسب برای امنیتی سازی یک موضوع اشاره دارد. به بیان روشن تر، پس از طرح شعارهای حزبی [و به تعبیر دقیق تر، اصطلاحات مناسب و شایسته] و با استناد به این شعارها می توان موضوعات خاص را بدون ارائه استدلال های دقیق درباره [چرایی] امنیتی بودن آنها، امنیتی کرد و می توان نوعی امنیتی سازی موفقیت آمیز [یا نتیجه بخش]<sup>۲</sup> انجام داد (Buzan & Wæver, 2009, 267). ترامپ در این زمینه نیز موفق عمل نکرد.

#### ۴. عدم هم پوشانی دلایل ناموفق بودن کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران توسط ترامپ

در جدول شماره (۲) پنج دلیل ناموفق بودن کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران توسط ترامپ با استفاده از ادبیات نظریه کلان امنیتی سازی مکتب کپنهاگ، تبیین و تشریح شده است. داده های این جدول نشان می دهد که با وجود برخی شباهت های ظاهری، این عوامل با یکدیگر متفاوت هستند و براساس بروز نقص در یکی از اجزا و عناصر کلان امنیتی سازی رخ می دهند.

#### ۵. چگونگی تشخیص ناموفق بودن فرایند کلان امنیتی سازی ایران توسط ترامپ

بوزان، ویور، و دو وایلد بر این نظرند که «کنش گفتاری، یک نیروی اجرایی دارد<sup>۳</sup>» و «در نتیجه موفقیت اجرایی یک کنش [گفتاری]، زمینه [فعلی] تغییر کرده یا زمینه [جدیدی] ایجاد می شود<sup>۴</sup>» (Buzan, Wæver & de Wilde, 1998, 46).

گفتنی است، اگر ترامپ در کلان امنیتی سازی ایران موفق عمل می کرد، بستر موجود علیه جمهوری اسلامی تغییر می نمود؛ یعنی جامعه جهانی (یا دست کم بلوک غرب) مانند صف آرای تمام عیار در رویارویی با شوروی، علیه ایران از همه ابزارهای نظامی، دیپلماتیک-سیاسی، و... خود استفاده می کرد؛ به عنوان نمونه، در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۴ اوت ۲۰۲۰ (۲۴ مرداد ۱۳۹۹) از میان ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، تنها دو کشور ایالات متحده و جمهوری دومینیکن به قطعنامه ای که مانع لغو محدودیت های تسلیحاتی اعمالی بر ایران<sup>۵</sup> می شد، رأی مثبت دادند. ۲ کشور روسیه و چین به این قطعنامه رأی منفی دادند و ۱۱ کشور بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، استونی، اندونزی،

1. Institutionalised Securitisation
2. successful securitisations
3. There is a performative force to the speech act
4. It reworks or produces a context by the performative success of the act.
5. arms-related restrictions on Iran



ویتنام، آفریقای جنوبی، تونس، نیجر، و سنت وینسنت به آن رأی ممتنع<sup>۱</sup> دادند. اگر ترامپ در تلاش برای معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید برای امنیت بین الملل موفق عمل می کرد، بی تردید همه یا اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه یادشده رأی مثبت می دادند.

### جدول شماره (۲). دلایل ناموفق بودن کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران توسط «ترامپ» (بر پایه دیدگاه مکتب کپنهاگ)

ردیف	دلیل موفقیت آمیز نبودن کنش گفتاری کلان امنیتی کردن جمهوری اسلامی ایران توسط «ترامپ»	نتیجه	تشریح بر اساس نظریه کلان امنیتی کردن مکتب کپنهاگ	عمل ناقص
۱	عدم رعایت جنبه بیرونی شرایط تسهیل کننده «کلان امنیتی کردن» جمهوری اسلامی ایران	نا توانی در معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید سطح کلان متوجه مرجع امنیت سطح کلان (در این جا جامعه جهانی یا حداقل بلوک غرب)	ضعف در ترسیم جمهوری اسلامی به عنوان یک تهدید عینی و ملموس متوجه جامعه جهانی یا بلوک غرب (ضعف در تجلی تهدید) [عدم رعایت «جنبه بیرونی» شرایط تسهیل کننده کلان امنیتی کردن توسط بازیگر امنیتی کننده]	بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)
۲	عدم ایجاد وحدت منفی	نا توانی در ایجاد اجماع علیه جمهوری اسلامی ایران	ارزش ها و هویت های مختلف مخاطبان توسط بازیگر امنیتی کننده [وحدت منفی] یکی از ارکان اصلی قابلیت تولید یک کلان امنیتی کردن می باشد - با تجلی تهدید که به تهدید عینی اشاره دارد، متفاوت می باشد]	بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)
۳	نا توانی در تبدیل مخاطبان عادی به مخاطبان حمایت کننده	عدم اقتناع مخاطبان (در این جا مردم جهان یا حداقل مردم کشورهای غربی)	پایین بودن سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی کننده و در نتیجه کم بودن نسبت تعداد معادله شدگان از کنش گفتاری بازیگر امنیتی کننده به تعداد مخاطبان مربوطه (کل مردم) [عدم رعایت «جنبه بیرونی» شرایط تسهیل کننده کلان امنیتی کردن توسط بازیگر امنیتی کننده - با [وحدت منفی] متفاوت می باشد]	بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)
۴	عدم افزودن یک بعد جهان شمول گرایانه به کنش گفتاری «کلان امنیتی کردن» جمهوری اسلامی	نا توانی بازیگر امنیتی کننده در هم دل و هم رنگ و هم سرنوشت نشان دادن خود با مخاطبان	عدم استفاده از جهان شمول گرایان فراتر؛ جهان شمول گرایان انحصاری، جهان شمول - گرایان نظم موجود و جهان شمول گرایان تهدید فیزیکی	بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)
۵	عدم انتخاب شعارها و اصطلاحات مناسب که با استناد به آن ها می توان موضوعات خاص نظیر جمهوری اسلامی ایران را بدون ارائه استدلال های دقیق در مورد چرایی امنیتی بودن آن ها، امنیتی نمود [عدم رعایت جنبه درونی شرایط تسهیل کننده «کلان امنیتی کردن» جمهوری اسلامی ایران]	نا توانی در رعایت دستور زبان امنیت	الف) موفق نگردید که «جمهوری اسلامی» را به عنوان یک تهدید وجودی (تهدید علیه جامعه جهانی یا حداقل بلوک غرب) معرفی نمایید؛ ب) توفیق پیدا نکرد که نشان دهد جامعه جهانی در مورد جمهوری اسلامی ایران به نقطه بدون بازگشت رسیده است؛ و ج) نتوانست راه احتمالی برون رفت (یعنی مقابله با جمهوری اسلامی ایران و حتی جنگ با آن را) چایاندازد. حتی گویش یا لهجه خاص امنیت یعنی درخطر بودن جان مردم سرتاسر جهان توسط «جمهوری اسلامی» را هم درست ادا نمود. [عدم رعایت «جنبه درونی» شرایط تسهیل کننده کلان امنیتی کردن توسط بازیگر امنیتی کننده]	بازیگر امنیتی کننده (ترامپ)

منبع: نگارندگان

اگر کنش گفتاری کلان امنیتی سازی ایران توسط ترامپ، موفقیت آمیز و نتیجه بخش بود، جامعه جهانی (یا دست کم بلوک غرب) در حالت صلح مسلح علیه ایران قرار می گرفت و بستر تازه ای ایجاد می شد. به این ترتیب که با کلان امنیتی سازی موفقیت آمیز ایران توسط بازیگر امنیتی کننده (در اینجا ترامپ) و نشان

#### 1. Abstention

دادن این نکته که جمهوری اسلامی یک تهدید وجودی برای «مرجع امنیت» (در اینجا جامعه جهانی یا دست کم جهان غرب) است و از همه مهم تر، پذیرش این تهدید وجودی توسط «مخاطبان»، ابزارهایی که در شرایط عادی توجیه ناپذیرند و مشروع به شمار نمی آیند (یعنی صف آرای تمام عیار نظامی، سیاسی دیپلماتیک، و...) در اختیار رؤسای دولت ها قرار می گرفت و مردم جهان (و دست کم بلوک غرب) هزینه های صف آرای تمام عیار نظامی و سیاسی دیپلماتیک علیه ایران را تحمل می کردند. حال آنکه چنین نشد.

### نتیجه گیری

اگر تلاش ترامپ برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت بین الملل را در یک بازه زمانی در نظر بگیریم که ابتدای آن، آغاز کارزارهای انتخاباتی ترامپ در سال ۲۰۱۶ بود، نقطه پایانی این تلاش ناموفق در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۴ اوت ۲۰۲۰ (۲۴ مرداد ۱۳۹۹) رقم خورد؛ جایی که از میان ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، تنها دو کشور ایالات متحده و جمهوری دومینیکن به قطعنامه ای که مانع لغو محدودیت های تسلیحاتی اعمالی بر ایران<sup>۱</sup> می شد، رأی مثبت دادند. دو کشور روسیه و چین به این قطعنامه رأی منفی دادند و ۱۱ کشور بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، استونی، اندونزی، ویتنام، آفریقای جنوبی، تونس، نیجر، و سنت وینسنت به آن رأی ممتنع<sup>۲</sup> دادند.

اگر ترامپ در تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت بین الملل، موفق عمل می کرد، بی تردید، همه یا اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه یاد شده رأی مثبت می دادند؛ اگرچه پژوهش حاضر بر این مفروضه استوار است که ترامپ همچون پیشینیان خود، یعنی کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، و اوباما موفق شد ایران را به عنوان یک تهدید برای امنیت ایالات متحده معرفی کند و سیاست هایی مانند اعمال فشار بیشینه و ترور مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران را در مقابله با ایران به کار گیرد.

یافته های پژوهش حاضر که با انتخاب نظریه کلان امنیتی سازی مکتب کپنهاگ به عنوان چارچوب نظری به دست آمده است، نشان می دهد که ترامپ به پنج علت عمده، نتوانست ایران را به عنوان یک تهدید برای امنیت بین الملل نشان دهد. ناکامی ترامپ در کلان امنیتی سازی ایران و معرفی جمهوری اسلامی به عنوان

1. arms-related restrictions on Iran
2. Abstention



یک تهدید برای امنیت بین‌الملل، ناشی از پنج عامل است: ۱) عدم رعایت جنبه بیرونی شرایط تسهیل‌کننده کلان‌امنیتی‌سازی ایران، یعنی ناتوانی در معرفی ایران به‌عنوان یک تهدید سطح کلان برای مرجع امنیت سطح کلان (در اینجا جامعه جهانی یا دست کم بلوک غرب)؛ ۲) عدم ایجاد وحدت منفی یا ناتوانی در ایجاد اجماع علیه ایران؛ ۳) ناتوانی در تبدیل مخاطبان عادی به مخاطبان حمایت‌کننده یا عدم اقناع مخاطبان (در اینجا مردم جهان یا دست کم مردم کشورهای غربی)، به دلیل پایین بودن سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌کننده (ترامپ) در سطح جامعه جهانی؛ ۴) فقدان بعد جهان‌شمول گرایانه در کنش‌گفتاری کلان‌امنیتی‌سازی ایران؛ ۵) عدم رعایت جنبه درونی شرایط تسهیل‌کننده کلان‌امنیتی‌سازی، یعنی عدم انتخاب شعارها و اصطلاحات مناسب که با استناد به آن‌ها می‌توان موضوعات خاص (مانند جمهوری اسلامی ایران) را بدون ارائه استدلال‌های دقیق درباره چرایی امنیتی بودن آن‌ها، امنیتی کرد. نباید از یاد برد که مکتب کپنهاگ با طرح نظریه «امنیتی‌سازی» و مفاهیم پرمایه‌ای مانند «کلان‌امنیتی‌سازی» توانسته است بسیاری از کنش‌های سیاستمداران، سیاست‌پیشگان و به اصطلاح، دارندگان سرمایه اجتماعی را که هزینه‌های فراوانی برای مردم یک جامعه (و حتی جامعه جهانی) ایجاد می‌کند (مانند جنگ، تحریم، و...) تجزیه و تحلیل کند؛ هزینه‌هایی که مخاطبان (مردم) آن‌ها را در شرایط عادی تحمل نمی‌کردند.

## References

- Buzan, B. & Wæver, O. (2009). Macrosecuritisation and Security Constellation: Reconsidering Scale in Securitization Theory. *Review of International Studies*, 35, pp. 253–276.
- Buzan, B. & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
- Buzan, B., Wæver, O. & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.
- Floyd, R. (2010). *Security and the Environment: Securitisation Theory and US Environmental Security Policy*. New York: Cambridge University Press.
- Fagan, M., & Mordecai, M. (January 23, 2020). *Boor Soaaaaa's aaa hq Coneerns about Iran had Fallen in Many Countries – Including the U.S.*. available at: Pew Research Center website: <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2020/01/23/before-soleimanis-death-concerns-about-iran-had-fallen-in-many-countries-including-the-u-s/>.
- Stritzel, H. (2007). Towards a Theory of Securitization: Copenhagen and Beyond. *European Journal of International Relations*, 13(3), pp. 357–383.
- Trombetta, M. J. (2011). Rethinking the securitization of the environment: old beliefs, new insights. In Thierry Balzacq. *Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve*. New York, NY: Routledge.
- Wæver, J. (2004). *Abrryswyyh Prr ss, Copnnhggnn www'hhhooss' nnuuuryyy Theory and their Origins between Core and Periphery. Paper Presented at the Annual Meeting of the International Studies Association, Montreal, March 17-20, 2004*



۲۷۷

دلایل ناکامی ترامپ در  
شناساندن ایران به عنوان  
تهدید متوجه امنیت  
بین الملل

Wæver, O. (1995). Securitization and Desecuritization. In Ronnie D. Lipschutz. *On Security*. New York: Columbia University Press.

Williams, M. C. (2003). Words, Images and Enemies: Securitization and International Politics. *International Studies Quarterly*, Vol. 47, No. 4, pp. 511-531.

Trump, D. J. (April 08, 2019). *Fact Sheet - President Donald J. Trump Is Holding the Iranian Regime Accountable for Its Global Campaign of Terrorism*. available at: *The American Presidency Project*, <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/fact-sheet-president-donald-j-trump-holding-the-iranian-regime-accountable-for-its-global>.

Trump, D. J. (March 13, 2018). Remarks to United States Troops at Marine Corps Air Station Miramar, California. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-united-states-troops-marine-corps-air-station-miramar-california>.

Trump, D. J. (October 13, 2017). Press Release - President Donald J. Trump's New Strategy on Iran. available at: *The American Presidency Project* website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/press-release-president-donald-j-trumps-new-strategy-iran>.

Trump, D. J. (October 13, 2017 a). Remarks on United States Strategy Toward Iran. available at: *The American Presidency Project* website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-united-states-strategy-toward-iran>.

Trump, D. J. (September 19, 2017). Remarks to the United Nations General Assembly in New York City. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-united-nations-general-assembly-new-york-city-13>.

Trump, D. J. (September 15, 2017). Remarks in a Teleconference Call With Jewish Leaders. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-teleconference-call-with-jewish-leaders>.

Trump, D. J. (February 03, 2017). Press Release - Statement by National Security Advisor Michael T. Flynn on Iran. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/press-release-statement-national-security-advisor-michael-t-flynn-iran>

Trump, D. J. (February 01, 2017). Press Release - Statement by the National Security Advisor on the Iranian Ballistic Missile Launch. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/press-release-statement-the-national-security-advisor-the-iranian-ballistic-missile-launch>.

Trump, D. J. (March 21, 2016). Remarks at the AIPAC Policy Conference in Washington, DC. Retrieved from *The American Presidency Project*. available at: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-aipac-policy-conference-washington-dc>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی